

بررسی مقایسه‌ای جامعه‌شناسی اسلام سیاسی شیعی مبتنی بر امامت و رویکردهای انقلاب اسلامی و اسلام سیاسی نوسلفیه مبتنی بر خلافت با تأکید بر داعش ابراهیم معصومی^۱، سعید اسلامی^۲، کمال پولادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

چکیده:

نهضت سلفی با نام جنبش سلفی جنبشی احیا گرایانه در درون اسلام سنی می‌باشد که به‌نوعی بازگشت به اسلام اولیه بوده است که در واقع این نهضت منجر به تشدید خشونت در جوامع مسلمان و غیر مسلمان بوده که نتیجه‌ی آن ظهور حکومت اسلامی افراطی به نام داعش بود که در واقع اندیشه‌های آنان متکی بر اقدامات خصمانه علیه کفار، منافقین و مشرکین برای دستیابی به آرمانهای این گروه بوده است که خلافت داعش تحولات گوناگونی را نیز پشت سر گذاشته است در اسلام سیاسی نوسلفیه مبتنی بر خلافت داعش مبارزه و تکفیر و تشدید خشونت همراه با فتنه در دنیای اسلام امت جهانی اسلامی را با مشکلات عدیده‌ای روبرو کرده است در مقابل اسلام سیاسی شیعی مبتنی بر امامت و رویکردهای انقلاب اسلامی را داریم که در این خصوص باید اذعان داشت پیوند میان دین و سیاست همواره از اصول و خط فکری انقلاب اسلامی بوده است که رهبری و جمهوری اسلامی بر مبنای آن استوار می‌باشد که نمادی از مقاومت هویتی و فرهنگی می‌باشد از مهمترین خصیصه‌های انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی سیاسی بودن آن است بنابراین اسلام مطلوب انقلاب اسلامی که در عمل به کار گرفته شده و به حاکمیت دست یافته است، اسلام سیاسی است. یافته‌ها حاکی از آن است که به طور مشخص در مقایسه و مبانی اختلافی این دو مقوله باید اذعان داشت مهمترین اختلاف این دو ناشی از مبادی معرفت‌شناسی (دو پایه بودن اسلام سیاسی شیعی عقل (نص) و تک پایه بودن آن (سنت) در نزد نوسلفیه (داعش) است) علاوه بر آن ختم نبوت نیز وجوه افتراق دیگر این دو است و سپس می‌توان به مخالفت با مفهوم امت در نوسلفیه تکفیری و اتکا بر امت اشاره نمود در واقع محدودیت دایره امت در نزد نوسلفیه و وسعت مفهوم امت در اسلام سیاسی شیعی که در نظام جمهوری اسلامی سیاست خارجی و گفتمان عمل بازتاب یافته است.

واژگان اصلی: اسلام سیاسی، خلافت نوسلفیه، انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی اسلام سیاسی، امت اسلام.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول)

eslameesaeed44@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که هرچه پیش می‌رود اهمیت آن افزون‌تر و حساسیت آن بیشتر آشکار می‌شود، نظریه‌پردازی کردن عمیق و دقیق درباره مفهوم اسلام سیاسی مبتنی بر انقلاب اسلامی و امامت است که بیش از سه دهه در کشورمان محقق شده است. اگرچه بحث جمهوریت و اسلامیت از ابتدای نهضت اسلامی و در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب مطرح بوده و مناظره‌ها و موضع‌گیری‌های مختلفی را در پی داشته است، ضرورت توجه عمیق و گسترده به آن در این برهه، که باید ارزش‌ها را به نسل جدید انقلاب منتقل کرد، قطعاً بیشتر خواهد بود. و در طول تاریخ قرائت‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی از دین اسلام توسط طیف‌های مختلف از علمای دینی تا مستشرقان غربی ارائه شده است. در بین جریان‌های مختلف اسلامی، تنها حرکتی که توانست به نتیجه برسد، نهضت امام خمینی با پشتوانه قیام مردمی بود. اندیشه سیاسی امام که محصول اسلام فقه‌ای ایشان بود و در نظریه ولایت فقیه تبلور یافت، حاکمیتی است که در عصر غیبت حکومت را در شأن فقیه می‌دانست؛ چرا که تنها فقیه و مجتهد است که با دانستن اصول و مبانی اسلام و قدرت انطباق صحیح آن با زمانه می‌تواند قوانین را فهم کند. نکته قابل توجه در نظریه سیاسی امام خمینی، نوع مواجهه آن با مقوله ولایت فقیه است. حضرت امام با نظری سیاسی - اجتماعی به اصل ولایت فقیه، نقطه کشف آن را فارغ از آیات و روایات که روش فقهای سنی بود، از نیازها و ضرورت‌های جامعه مسلمین به‌دست آورد. مسأله مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، مربوط به نوع رویکرد و نگاه به اسلام سیاسی و احکام و چگونگی اجرای آنهاست. در ظاهر انقلاب اسلامی، اسلامی سیاسی است و در مقابل داعش و القاعده هم داعیه‌دار اسلام با نگرش سیاسی و پویا در سطح جامعه است. نکته مهم این است که در نظر گرفتن چه ظرایف و لطایفی در مورد اسلام سیاسی منجر به انقلاب سال ۵۷ ایران و ایجاد جبهه مقاومتی می‌شود که شیعه و سنی، مسلمان و مسیحی را زیر چتر خود به تقابل با استعمار و استکبار می‌کشاند؛ و در طرف مقابل، چه سوءتفاهمی در این باره کار را به پدیده‌های تلخ و نگران‌کننده‌ای چون داعش و النصره و بقیه گروه‌های تکفیری می‌رساند. در بررسی‌ها پیرامون اسلام سیاسی، درک و فهم این خلأها می‌تواند ما را از کشیدن به ورطه خطا و کج‌فهمی مصون بدارد. «اسلام سیاسی»، موضوع پرونده جدیدی است پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تبیینی تحلیلی و از نظر محتوا کیفی است جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر اصول نظری اکتشافی به روش کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. اطلاعات با مراجعه به کتب، نشریات و سایت‌های علمی مرتبط، فیش برداری و دسته‌بندی شده است. چارچوب نظری این پژوهش بر پایه‌ی چهارچوب نظری ونت می‌باشد الکساندر ونت

متفکر اصلی نظریه سازه انگاری در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. دغدغه او ایجاد راهی میانه یا پلی بین دو جریان اصلی مناظره کنونی حاکم بر روابط بین‌الملل، یعنی خردگرایی و انعکاس‌گرایی است. در این نظریه بدنبال آن هستیم که دریابیم چگونه پویش فکری ونت به تقویت جایگاه فرهنگ و هویت و چگونگی تأثیرگذاری این مولفه‌ها در منافع و رفتار بازیگران انجامیده است. با این حال کاستی‌های سامان فکری فلسفی ونت از نظر فقدان توانمندی در ارائه دستور کاری تحقیقاتی و گزاره‌های قابل ارزیابی علمی، گذار از دوگانگی ماتریالیسم/ایدئالیسم، و دست‌یابی به راهی میانه در فرایند نظریه پردازی روابط بین‌الملل را با امتناع مواجه می‌کند. مجموعه تلاش‌های فکری انجام گرفته در روابط بین‌الملل به نظریه‌های انجامیده است که بر اساس نسبت آنها با جهان (مسایل معرفت‌شناسی) به نظریه‌های تبیینی و تاسیسی قابل تقسیم‌اند. نظریه‌های تبیینی در پی بیان چرایی رفتار دولت‌ها بوده که بر این اساس روابط میان دولت‌ها به عنوان امری خارجی نسبت به نظریه تلقی کرده و در مقابل این، نظریه‌های تاسیسی قرار می‌گیرند قائل به این امر می‌باشند که واقعیت‌ها و روابط میان ملت‌ها از طریق زبان، ایده‌ها و مفاهیم ایجاد شده شکل می‌گیرند. در اوایل دهه ۸۰ ما شاهد طرحی نو برای مطالعه واقعیت‌ها پدیده‌ها و رفتارهای بین‌المللی هستیم که حد فاصل میان نظریات تبیینی و تاسیسی قرار می‌گیرد از این طرح نو تحت عنوان سازه انگاری یاد برده می‌شود. سازه انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی مطرح بوده است. از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه انگاری به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌کند، که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این "فرایند" است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. سازه انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد و روابط میان دولت‌ها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند.

در سازه انگاری از آن‌جا که منافع از روابط اجتماعی حاصل می‌شود و روابط دولت‌ها با هم بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند. هویت یک امر رابطه‌ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن

کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت‌های بین الملل کارگزاران بر اثر جامعه‌پذیری درون جامعه بین الملل حاصل می‌شود. نگاه سازه‌انگاران به هنجارها و قواعد نیز مهم می‌باشد در زمینه تأکید بر هنجارها با نظریات لیبرال اشتراک دارند اما تفاوت محسوسی که با لیبرال‌ها دارند اینست که لیبرال‌ها بر جنبه تنظیمی هنجارها تأکید دارند در حالی که سازه‌انگاران علاوه بر جنبه تنظیمی بر جنبه تکوینی آنها نیز توجه می‌کنند و بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرایند‌های مانند تعاملات بوجود می‌آیند. از میان اندیشمندان این تئوری کراتاکویل، انف و کاتزنستاین بیشتر بر اهمیت هنجارها تأکید کرده‌اند.

۱. اسلام سیاسی بر پایه‌ی امامت و رهافت‌های انقلاب اسلامی

۱-۱. جلوه‌های نظری تبلور اسلام سیاسی بر پایه‌ی انقلاب اسلامی

اسلام سیاسی به عنوان یک حرکت جدی و نظریه‌پردازی شده را باید معطوف به تاریخ معاصر خاورمیانه دانست. رهبران مختلفی با رویکردهای گوناگون به اسلام سیاسی پرداخته‌اند. سیدجمال اسدآبادی، محمد عبده، رشید رضا، عبدالرحمن الکواکبی، ابوالاعلی مودودی، حسن البنا، سید قطب، سیدمجتبی نواب صفوی و امام خمینی، بزرگ‌ترین رهبران و اندیشه‌پردازان اسلام سیاسی هستند. البته باز هم باید تأکید کرد که نوع نگرش آن‌ها به محدوده نفوذ سیاست در جامعه و کیفیت آن متفاوت است. اسلام سیاسی با نقد و چالش کشیدن استوانه‌های اصلی غرب چون سرمایه‌داری لیبرال و سیاست‌گذاری‌های سکولار و جهان‌بینی اومانیستی، دعوی ارائه نظم نوین و راهکار جدید برای اداره و تعامل با جهان و جهانیان را داشته است. اسلام به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی برای اولین بار با پیروزی انقلاب اسلامی تحقق یافت؛ اما آن چه در این میان کمتر مورد توجه قرار گرفته تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری و رشد اندیشه اسلام سیاسی و تأثیر آن بر انقلاب اسلامی است. اصطلاح اسلام سیاسی، اصطلاحی جدید است که در برابر اسلام سنتی پدید آمده است و به دنیای مدرن تعلق دارد (بهرز لک، ۱۳۸۶: ۷). براساس نظریه‌گفتمان، اسلام سیاسی گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد. در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک دال برتر تبدیل می‌شود. بابی سعید معتقد است که مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است (سعید، ۱۳۷۹: ۲۰). این گفتمان بر تفکیک ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و مدعی است که اسلام از

نظریه‌ای جامع درباره دولت و سیاست برخوردار است و به دلیل تکیه بر وحی، از دیگر نظریه‌های سیاسی موجود، برتر می‌باشد.

بیداری اسلامی در ایران و تاثیر آن بر مصر، لیبی، یمن، بحرین، اردن و دیگر کشورهای خاورمیانه ثمره تحولات معرفتی و مفهومی «اسلام» است. اسلام در مفهوم جدید محصول دوران مدرن و تحت عنوان «اسلام سیاسی» صورت بندی شده است که در مقابل اسلام سنتی قرار می‌گیرد. اسلام سنتی، دین را به حوزه امور فردی و عبادی محدود می‌دانست و علی‌رغم تعریف جامع دنیوی و اخروی از دین عملاً در کار سلطان دخالتی نداشت و کار ویژه او توجیه و مشروعیت بخشی دینی به سلطان بود. دین در مدرنیته غرب از امور عرفی و دنیوی منفک شد و اداره جوامع مبتنی بر عقل خود بنیان و مشورتی گردید. اما، در جوامع اسلامی جریان سکولاریستی و کمالیستی متجددین و روشنفکران غرب‌گرا در فرایندی پارادوکسیکال موجب ظهور اسلام سیاسی شد. اسلام سیاسی از تعامل با غرب تا تقابل با غرب و تشکیل حکومت اسلامی تغییر معنایی داشته است. هر چند اسلام سیاسی در ایران معاصر رنگ و بوی لیبرالی و مارکسیستی هم به خود گرفت. اما، این قرائت «اسلام فقهاتی» به رهبری امام خمینی (ره) بود که توانست در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش به آرمان تشکیل حکومت اسلامی دست یابد و دموکراسی دینی را به صورتی الهام بخش به اجرا بگذارد.

۱-۲. دستاوردهای اسلام سیاسی مبتنی بر انقلاب اسلامی

مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در سطح دنیای اسلام انجام داد، این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام را احیاء کرد. از روزی که استعمار وارد کشورهای اسلامی شد، همه تلاش استعمارگران و سلطه‌گران این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام، عدالتخواهی، آزادیخواهی و استقلال‌طلبی اسلام را از اسلام حذف کنند. سلطه‌گران برای این‌که استیلای خود را بر ملتها و منابع کشورهای اسلامی هرچه بیشتر گسترش دهند، خود را ناچار می‌دیدند که ابعاد سیاسی اسلام را از اسلام جدا کنند و اسلام را به معنای تسلیم در مقابل حوادث، تسلیم در مقابل اشغالگر و تسلیم در مقابل دشمن ظالم و قوی پنجه تفسیر کنند. امام حقایق فراموش‌شده اسلام را احیاء کرد؛ عدالتخواهی اسلام را سر دست بلند کرد؛ ضدیت اسلام را با تبعیض و اختلاف طبقاتی و اشرافیتها علنی کرد. از روز اول تا روزهای آخر عمر، امام بزرگوار روی قشرهای مستضعف، پابره‌نها و محرومان تکیه کرد. بارها و بارها در آغاز تشکیل نظام اسلامی و در طول ده سال عمر با برکتش در مقام رهبری نظام اسلامی، به مسئولان و به همه ما تأکید کرد که باید رعایت حال ضعفا را بکنید؛ شما مروهون طبقه

پایرهنه این کشورید. عزیزان من؛ ملت بزرگ ایران! هر جا و در هر موردی ما به این توصیه امام توجّه نمودیم و در برنامه‌ریزیها، قانونگذاریها، اجرا و عزل و نصبها، به این نصیحت عمل کردیم، پیروزی نصیب ما شد.

اسلام سعادت مردم را دنبال می‌کند. اسلام با فساد و ظلم و تبعیض مخالف است. اسلام برای رفاه مردم در کنار معنویت مردم به میدان آمده است. امام این را از آغاز شروع مبارزات تا تشکیل نظام اسلامی و تا آخر عمر، مکرّر بیان کرد. امام عظیم‌الشّان ما در دنیای اسلام این را نشان داد که فقه اسلام - یعنی مقرّرات اداره زندگی مردم - در کنار فلسفه اسلام - یعنی تفکّر روشن‌بینانه و عمیق و استدلالی - و عرفان اسلام - یعنی زهد و انقطاع الی‌الله و دامن برچیدن از هواهای نفسانی - چه معجزه بزرگی می‌تواند بیافریند. امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملت‌های اسلامی، تبلیغ می‌کردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جداست. امروز هم همین را تبلیغ می‌کنند. امروز هم دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن و جبهه دشمن نظام اسلامی با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی سعی می‌کند اسلام سیاسی و اسلام عدالتخواه و اسلام اجتماعی را به عنوان چهره‌ای خشن در دنیا معرفی کند و مردم را به اسلام منزوی، اسلام تسلیم‌طلبانه و اسلامی که در مقابل متجاوز و ظالم و زورگو هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد، سوق دهد. امام این را شکست و این انگاره دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود. اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضدّ اسلام متعجّر و خرافی و همچنین ضدّ اسلام رنگ باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی. هم آن روز، هم در طول سال‌های مبارزه برای تشکیل نظام اسلامی، و هم تا امروز، این یکی از نقاطی است که جبهه دشمن اسلام روی آن تأکید می‌کند؛ سیاست را از معنویت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی می‌خواهد مسلمان باشد، باید سرِ خود بگیرد و گوشه‌ای بنشیند و به این‌که دشمن چه می‌کند، متجاوز چه می‌کند، اشغالگر چه می‌کند، کاری نداشته باشد. امروز هم این را تبلیغ می‌کنند. امام نقطه مقابل این را در دنیای اسلام مطرح کرد و امروز دنیای اسلام این موج عظیم را در درون خود دارد. شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی بروید، می‌بینید اسلام زنده، در نظر نخبگان، جوانان، دانشگاهیان، دانشمندان، علما و آزادگان آن‌جا، اسلامی است که بتواند ملت خود را در مقابل زورگویان و قلدان و قدرت‌طلبان و متجاوزان عالم حفظ و حمایت کند و به آن مصونیت ببخشد و اجازه دخالت و تسلّط و سیطره دشمن را بر مردم ندهد. آنها این اسلام را می‌خواهند و اسلام ناب محمدی یعنی همین.

۱-۲-۱. ممانعت از جدایی دین و سیاست

مسئله دیگری که توجه به آن خیلی لازم است، مسئله دین و سیاست است. جدا کردن دین از سیاست که شاید از قریب دویست سال قبل در برنامه دشمنان دنیای اسلام بوده است، نکته بسیار مهمی است. ولو خود این کلمه را تکرار کنید که «سیاست اسلام از دیانت آن جدا نیست، دیانت اسلام از سیاست آن جدا نیست». این تکرار شود، گفته شود و به گوش همه برسد. یک سنگر از سنگرهای دشمن، جدایی دین از سیاست بود. به همه باورانده بودند که دین باید در محیط سیاست، در محیط زندگی و در نظام اجتماعی دخالت نکند؛ این را باورانده بودند. حالا آنهایی که با دین سروکار نداشتند که به جای خود، حتی متدینین و حتی بعضی از علمای دین باور نمی‌کردند که اسلام بتواند در مسائل سیاسی دخالت کند؛ این در حالی است که اصل تولد اسلام در اول، با رویکرد سیاسی بود. پیغمبر اکرم اولین کاری که در مدینه کرد، حکومت تشکیل داد، اما این باور را در ذهنها گنجانده بودند و از این سنگر علیه نظام و علیه کشور و علیه مردم فعالیت میکردند. جمهوری اسلامی آمد و این سنگر را هم منهدم کرد و نابود کرد.

۲-۱. اندیشه سیاسی امام خمینی در شکل‌گیری اسلام سیاسی مبتنی بر امامت

در بین جریان‌های مختلف اسلامی، تنها حرکتی که توانست به نتیجه برسد، نهضت امام خمینی با پشتوانه قیام مردمی بود. اندیشه سیاسی امام که محصول اسلام فقهاتی ایشان بود و در نظریه ولایت فقیه تبلور یافت، حاکمیتی است که در عصر غیبت حکومت را در شأن فقیه می‌دانست؛ چرا که تنها فقیه و مجتهد است که با دانستن اصول و مبانی اسلام و قدرت انطباق صحیح آن با زمانه می‌تواند قوانین را فهم کند. نکته قابل توجه در نظریه سیاسی امام خمینی، نوع مواجهه آن با مقوله ولایت فقیه است. حضرت امام با نظری سیاسی - اجتماعی به اصل ولایت فقیه، نقطه کشف آن را فارغ از آیات و روایات که روش فقهای سنی بود، از نیازها و ضرورت‌های جامعه مسلمین به‌دست آورد. شاهد این مدعا، مقدمه کتاب ولایت فقیه است. امام در این کتاب به اولین موضوعی که اشاره می‌کند، موضوع سیاسی روز یعنی «استعمار» است. او در این مقدمه، مسلمانان را به تقابل و مبارزه با مطامع استعماری فرا می‌خواند. بنیانگذار جمهوری اسلامی در مقدمه کتاب ولایت فقیه بیان می‌کند: «اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند. دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است. اما این‌ها اسلام را طور دیگر معرفی کرده و می‌کنند. تصور نادرستی که از اسلام در اذهان عامه به‌وجود آورده و شکل ناقصی که در حوزه‌های علمیه عرضه می‌شود، برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیات اسلام را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت

باشند، آزادی خواه باشند، دنبال اجرای احکام اسلام باشند.

۳-۲-۱. تعامل جمهوریت و اسلامیت

عده‌ای از صاحب‌نظران در کشورمان عقیده دارند که نظریه‌پردازی نکردن درباره انقلاب اسلامی، موضوعی اصلی و منحصربه‌فرد در آسیب‌شناسی این انقلاب است. آنان معتقدند که درباره انقلاب اسلامی، آن‌گونه که باید و شاید، نظریه‌پردازی نشده است و به دلیل این مسئله مهم، راهبرد بلندمدت نظام در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تدوین نشده است. ریشه بعضی از مشکلات و حتی منازعات سیاسی، اعم از فکری و رفتاری در جامعه و حتی در ساختار سیاسی، نیز در همین مسئله است.

حال ممکن است بعضی ادعا کنند نظریه‌های مختلفی درباره انقلاب اسلامی مطرح شده، اما واقعیت این است که این نظریه‌ها اولاً بیشتر به منشاء انقلاب اسلامی و زمینه‌های پیروزی آن مربوط می‌شود؛ ثانیاً عمدتاً یا از صاحب‌نظران غربی یا متأثر و برگرفته از نظریات آنان است. بر این اساس توانایی پاسخگویی به مشکلات پیش روی انقلاب اسلامی را ندارند یا برای آن کارآمد نیستند. واقعیت منحصربه‌فرد انقلاب اسلامی نظریه منحصربه‌فردی را هم می‌طلبد و از نظریه‌های دیگران نمی‌توان برای تبیین جامع آن استفاده کرد.

مسئله دیگری که لازم است درباره این تبیین به آن پاسخ دهیم این است که هر تبیینی در گرو روش‌شناسی خاصی است؛ روش‌شناسی ما برای تبیین انقلاب اسلامی چه باید باشد و از چه روشی در بررسی تعامل میان اسلامیت و جمهوریت انقلاب اسلامی می‌شود استفاده کرد؟ روش‌های متعارف و جافتاده‌ای که در علوم انسانی رایج است تا چه اندازه قدرت تبیین را به ما می‌دهد؟

۲. ویژگی‌ها و جریان‌های فکری حاکم بر اسلام سیاسی مبتنی بر حکومت داعش

۱-۲. روش شناختی نوسلفی

سلفیان روش‌شناسی ویژه‌ای در جستجو و فهم درست دین به تعبیر خودشان دارند. به نظر آنان، تنها روش‌شناسی برای تشخیص تفسیر درست شریعت، ابتدای این تفسیر بر قرآن، سنت و سیره مسلمانان اوایل است. شافعی علم ناشی از این سه منبع را علم با احاطه می‌داند اما به نظر می‌رسد که وجه تمایز سلفیان قدیم و جدید تعریف خاصی است که نوسلفیان از مفهوم بدعت دارند، این تعریف خاص از بدعت تقابل سنت، بدعت و سرانجام میل به تکفیر غیرسلفیان از مسلمانان را در

بر می گیرد. (اسلامی، ۱۳۹۹: ۷)

از حیث اصول عملی، دو اصل شاخص عمل سلفی ها است:

۱- برخی جریان‌ات سلفی دعوت یعنی امر به معروف و نهی از منکر را مبنای عمل خود قرار دادند. سلفیه، مهم ترین معروف را توحید و خروج از شرک می دانند.

۲- برعکس برخی از سلفیه جهاد را اساس اسلام عملی می دانند ... این گروه از نوسلفی ها امروزه با نام اسلام جهادی، مجاهدین، گروه‌های جهادی تکفیری و در اصطلاح غربی ها اسلام رادیکال خوانده می شوند. لورنس دیویدسون نیز اصول نظری و عملی مشترکی را میان جریان های سلفی و بنیادگرا در جهان اسلام دسته بندی کرده است. اغلب جریان های سلفی بر این باورند که جهان اسلام در یک وضع بی نظمی و اغتشاش به سر می برد و این زمانی آغاز شد که ارزش های اسلامی به فراموشی سپرده شد.

این زوال، خود زمینه ساز تهاجم غرب به سرزمین های اسلامی شده است. برای خروج از این وضعیت، مردم جهان اسلام باید دوباره اسلامی شوند. تنها راه احیای مجدد اسلام، سیاسی کردن دوباره اسلام است. از نگاه آنان اسلام با ردّ طاغوت یا خدایان باطل و فاسد شروع می شود. غرب و غرب گرایان در جهان کنونی نماد طاغوت هستند. (اسلامی، ۱۳۹۹: ۷)

۲-۲. ویژگی های فکری خلافت اسلامی در داعش

۲-۲-۱. داعش

داعش مخفف (الدولة الإسلامية في العراق والشام) گروهی تکفیری است که از القاعده منشعب شده است. این گروه در سال ۲۰۰۶م با عنوان «جماعه التوحید والجهاد» به رهبری ابومصعب زرقاوی در عراق تأسیس شد و به القاعده عراق مشهور بود. سپس بخش‌هایی از عراق و سوریه را اشغال کرد و در سال ۲۰۱۴م «دولت اسلامی در عراق و شام» را تشکیل داد و ابوبکر البغدادی را به عنوان خلیفه معرفی کرد.

داعش جنایات بسیاری را مرتکب شد و شمار بسیاری از افراد غیرنظامی را به قتل رساند. کشتار افراطی داعش باعث شد حتی ایمن الظواہری رهبر القاعده به آن معترض شود؛ تا جایی که وی در نهایت اعلام کرد داعش هیچ ارتباطی با القاعده ندارد. (کریمی، ۱۹).

۲-۲-۲. تأکید بر نقل و تضعیف عقل

داعشیان، نقل آیات قرآن و احادیث را بر عقل ترجیح می دهند. به نظر ابن تیمیه پیشوای سلفیان،

جز قرآن و سنت راهی برای شناخت آموزه‌های دینی از جمله عقاید و احکام وجود ندارد. او معتقد است که استدلال‌های عقلی به صورت مستقل اعتبار ندارند و نقش آنها تنها تصدیق و اعتراف به محتوای متون دینی و تقویت آنها است. (ابوزهره، ۵۲۹)

۲-۲-۳. ظاهرگرایی

سلفیان تنها به ظاهر آیات قرآن استناد می‌کنند و هیچ تأویل و تفسیری از آیات قرآن را درست نمی‌دانند. برای مثال برپایه آیه «الرحمن علی العرش استوی» که معنای ظاهری آن این است که خدا بر تختی قرار گرفته است، (طه ۵) می‌گویند خدا واقعاً تختی دارد که بر آن می‌نشیند. همچنین از تعبیر قرآنی «یدالله» برداشت می‌کنند که خدا دست دارد.

۲-۲-۴. تکفیر

ابن تیمیه گروه‌ها و مذاهب بسیاری را از دین خارج می‌دانست و تکفیر می‌کرد. المشعبی در کتاب «منهج ابن تیمیه فی التکفیر» چندین گروه را که ابن تیمیه آنان را تکفیر کرده است، با دلایل آورده است. فلاسفه، باطنیه، اسماعیلیه، شیعه اثناعشری و قَدَرِیه از آن جمله‌اند. (المشعبی، ۱۴۱۸ق: ۳۵۱)

برخی از چیزهایی که در دیدگاه ابن تیمیه موجب کفر می‌شوند، عبارت‌اند از: واسطه‌قراردادن بین خود و خدا، تشبّه به کفار، مخالفت با حدیث متواتر و مخالفت با اجماع. (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۱۴)

برخی از گروه‌های سلفی جدید که به سلفیه تکفیری شهرت دارند، معنا و مصادیق کفر را بسیار گسترش می‌دهند و از تکفیر برای عملیات جهادی جواز می‌گیرند. (علیپور و شعبانی کیا، ۱۶۵)

۲-۳. اصول فکری در حکومت اسلامی مبتنی بر نو سلفیه با تاکید بر حکومت داعش

۲-۳-۱. جامیه و اطاعت از حاکم

طلبه ای حبشی به نام محمد امان الجامی پایه گذار جامیه شد. محمد بن جامی از سال ۱۹۴۹ وارد مکه شد و به تدریج به شیخ بن باز مفتی عربستان نزدیک شد و شاگردانی مانند ربیع بن مدخلی تربیت کرد. او در مسجد النبی تدریس می‌کرد و طرفداران او به جامیه شهرت یافتند. هر چند سر رشته جامی‌ها به محمد بن عبدالوهاب می‌رسد اما در زمان محمد امان جامی به یک گروه منسجم تبدیل شدند. این گروه در کنار حکومت قرار گرفتند و تبعیت از حکومت را به عنوان یک اصل مطرح کردند. آن‌ها پس از یک دوره تسلط چون گرفتار نوی جمود فکری بودند نتوانستند خود را با تحولات سیاسی وفق دهند. بنابراین منشا ظهور جنبش‌های اسلامی نشدند اما مخالفین آن‌ها (سروری‌ها) تاثیر بیش تری در سلفیه گذاشتند.

جامی‌ها در شعارهای خود به سلف صالح تاکید دارند و سلفی‌های دیگر را که به تائیت از حکومت خدشه وارد می‌کنند و به خروج بر سلطان اعتقاد دارند فتنه گر و خوارج می‌نامند.

آن‌ها بانوشتن کتاب‌هایی به مخالفین خود حمله کردند و در اعتراض به پیروان سید قطب، به دلیل خروج بر سلطان آن‌ها را القبطیه فتنه و فتنه گر خواندند. ربی هادی مدخلی از پیروان جامیه با تالیف منهج اهل السنه فی نقد الرجال و الکتب و الطوائف به دفاع از عقاید جامیه و رد مخالفین و رد مخالفین بر آمد.

او اخوان المسلمین را سکوت کنندگان در برابر بدعت می‌نامد و با اشاره به این که پیغمبر اسلام (ص) پیروان خود را از اهل أهواء که خطرشان بیش تر از محاسن آن هاست بر حذر داشت سکوت کنندگان و چشم پوشندگان بر بدعت را مورد مذمت قرار می‌دهد و با استناد به سخن پیشوایان سلفی کسانی که از اهل بدعت دفاع می‌کنند را گمراه تر از بدعت‌گزاران می‌داند و آن‌ها را همانند خوارج توصیف می‌کند و سلفی‌ها را از یاری رساندن به کسانی که در چار چوب حزب و سیاست کاری کنند بر حذر می‌دارد.

جامی‌ها مورد حمایت عربستان سعودی بودند و هنگام جنگ خلیج فارس در کنار حکومت قرار گرفتند. به تدریج در دهه ۱۹۸۰ اتحاد میان اخوان المسلمین و وهابیت جای خود را به منازعه میان دو گروه سلفی‌های حکومتی و غیر حکومتی داد.

طرفداران جامی عموماً اطاعت از حاکم به عنوان اولی الامر را واجب و هرگونه خروج بر والی را مخالف شرع می‌دانند در فتاوی برخی از آن‌ها دیدیم که دچار یک نوع جزم اندیشی اند و از درک دموکراسی و تخریب ناتوان هستند و با هرگونه نوگرایی به مخالفت بر می‌خیزند.

جامی‌ها تلاش می‌کنند در صورت لزوم با صدور فتوا اهداف حکومت را پیش ببرند و درواقع یک نوع مقبولیت نسبی برای پذیرش رفتارهای غیر ممول حکومت فراهم سازند. برای نمونه فتوای عبدالعزیز بن باز از حامیان اینگروه در جهت ادی سازی رابطه اعراب و اسرائیل بسیار قابل توجه است.

حکومت آل سعود برای قانونی جلوه دادن صلح با اسرائیل نیاز به یک فتوای شرعی داشت. در ۱۳۷۲ ش مفتی وقت عربستان در این باره نوشت: "در صورتی که ولی امر مسلمین ضرورت و مصلحت بداند می‌تواند با دشمن (اسرائیل) به طور دائم یا موقت صلح نماید" برخی علمای سنی - سلفی و شیعیان فتوای بن باز را یک اشتباه خواندند. برخی معترض بودند که چرا دیر باز در برابر مصیبت‌های وارده بر مردم از سوی آل سود سکوت کرده و در عوض از رژیم اسرائیل حمایت کرده

است. همچنین او در برابر صلیب بر سینه آویختن شاه فهد ورود نیروهای آمریکایی به عربستان کمک عربستان به سران یمن و سرکوب شیخ سلمان العوده و شیخ سفر الحوالی (دو تن از نمای سعودی) سکوت کرد.

۲-۳-۲. سروریه و تشکیک در تقلید گرایی

سروریه دومین جریان است که از سوی محمد سورنایف عضو سابق اخوان المسلمین پایه گذاری شد او تا سال ۱۹۷۹ به مدت یازده سال در عربستان سعودی مشغول تدریس بود. دولت عربستان با مسلط کردن سلفی‌های حکومتی در این کشور استادان قدیمی‌تر را از حوزه تدریس دور کرد و ادامه این روند موجب تبعید سورنایف به لندن شد.

عربستان سعودی از جامی‌ها حمایت می‌کرد و به تدریج در دهه ۱۹۸۰ اتحاد میان اخوان المسلمین و وهابیت جای خود را به منازعه میان دو گروه سلفی‌های حکومتی و غیر حکومتی داد. درواقع آغاز مخالفت سروری‌ها با تفکر جامی از این جا شروع می‌شود.

احمد صویان با تشکیک در تقلید از رجال دینی سلفی به زمینه سازی برای انتقاد از حاکم و خروج برولات امر پرداخت. او تقلید را از اسباب هلاکت و موثر بر افکار اسلامی دانست و ثمره تقلید را اهمال نص شرعی و تعطیل عقل بشری نوان کرد.

او با اشاره به مضمون این حدیث معروف که برای شناخت حق از باطل باید رجال را به وسیله حق شناخت نه حق را به وسیله رجال معتقد است کل بنی آدم از جمله حاکم ممکن است خطا کنند و برافروخته شدن آتش عداوت و دشمنی در میان حرکت‌های اسلامی معاصر به سبب جهل لمی و عملی نسبت به پیشوایان اول است و نباید نسبت به خطای علما و نوشته‌های آن‌ها سکوت کرد بلکه نقد آن‌ها موجب تصحیح مسیر امت می‌شود.

عبدالمجید الطرابلسی عضو اخوان المسلمین است که در مدت سیزده سال وزارت اوقاف سوریه یک هزار مسجد برای سلفی‌ها احداث کرد. خیلی‌ها متقندند اکثر سلفی‌هایی که امروز علیه بشار اسد دست به اسلحه برده اند فارغ التحصیل این مراکز هستند.

به همراه سلفی‌های محلی که خواستشان سرنگونی دولت بشار اسد است. القاعده هم در سوریه حضور دارد و اضافه بر مقابله با حکومت بشار اسد خواستار سرنگونی سایر دولت‌های اسلامی است. بزرگ‌ترین تشکل القاعده در بحران سوریه جبهه النصره الی اهل الشام است. این جبهه وابسته به جریان جهاد اسلامی است که با ایمن الظواهری رهبر القاعده اعلام بیعت نموده است. گروه

های سلفی موجود در سوریه اعم از محلی و خارجی به تدریج با حمایت مخالفان داخل و خارج دولت بشار اسد از جمله امریکا اتحادیه اروپا و کشورهای عربی مانند عربستان، قطر، دولت ترکیه نقش موثر تری در بحران سوریه ایفا کردند.

سروری‌ها بیش‌تر به مشکلات داخلی تمرکز دارند و در کنار این گروه سلفی‌های خارجی و هم‌سو که به داخل سوریه آمده‌اند به جهاد باغرب بیش‌تر علاقه نشان داده‌اند. اما این دو جریان در تقلید ستیزی و خروج بروالیان وحدت پیدا می‌کنند. جامی‌ها جهادی را قبول دارند که حاکم دستور آن را داده باشد اما این‌ها معتقدند که مسلمانان باید به صورت فردی و با استنباط شخصی زمان جهاد را تشخیص دهند و در بحث امر به معروف و نهی از منکر هم مخصوصاً در جایی که اعمال خشونت لازم باشد خود بی‌نیاز از اجازه مفتی و حاکم به اعمال سلیقه فردی می‌پردازند.

۲-۳-۳. جهاد گرایی

جهادگرایی مهم‌ترین وجه مشخصه نوسلفی‌ها است. نصوص دین در تمدن اسلامی، بر رفتار مسلمانان تأثیر اساسی دارد. بنابراین، نوع تفسیر از مذهب، تعیین‌کننده رفتار مسلمانان در حوزه جنگ نیز است. جهاد یکی از فروع ده‌گانه دیانت اسلام به شمار می‌آید (اسلامی، ۱۰). به نظر نوسلفی‌ها، نه تنها عبودیت خدا بدون جهاد محقق نمی‌شود، بلکه جهاد بالاترین مرتبه عبودیت است. این جریان همواره می‌کوشد تا جهاد را به مسئله اصلی اسلام تبدیل کند. نوسلفیه، پس از آن که بخش گسترده‌ای از مسلمانان غیرسلفی و دیگران را در جرگه کفر قرار دادند، کشتن آن‌ها را بر خود فریضه می‌دانند. آن‌ها این کشتار را جهاد معرفی می‌کنند. نوسلفیه در کشتار غیرسلفی‌ها به ویژه شیعیان، به هر ابزاری متوسل می‌شوند و ترور غیرنظامیان را موجه می‌دانند و برای آن توجیهات شرعی مطرح می‌کنند. از حیث نظری چنین نگرشی را باید در نظرات و فتاوای امامان اهل سنت به ویژه مالکی، حنبلی و وهابی جستجو کرد. از جمله ابن تیمیه که شیعیان را بدتر از صلیبی‌ها می‌داند، عبدالوهاب شیعیان را مشرک می‌داند و یا شاه ولی الله دهلوی که شیعیان را به واسطه تفسیر سرزنش می‌کند. مسأله دیگر طاغوت است که به معنای حکومت غیر خدا بر مردم می‌باشد. این مفهوم نیز یکی از مؤلفه‌های سلفی‌گری جهادی بوده و بر طبق آن مسلمان وظیفه دارد چنین حکومتی را نپذیرد و برای سقوط آن تلاش کند تا با کنار زدن دولت‌های طاغوتی و لائیک، دولت اسلامی تشکیل شود به عقیده سید قطب، جاهلیت قرن بیستم نسبت به انواع آن در گذشته بسیار عمیق‌تر و وسیع‌تر است و نیز تلاش‌های پیامبر برای از بین بردن دشمنانش بسیار آسان‌تر از تلاش‌هایی است که باید برای پایان دادن به جاهلیت در

عصر حاضر صرف شود. وی دلیل این امر را حضور دو دسته از دشمنانی می‌داند که مؤمنان باید با آن مبارزه کنند، که عبارتند از: دشمنان خارجی (به طور عمده منظور نفوذ فرهنگ غربی و حضور فیزیکی نیروهای فرا منطقه ای و استعمارگر است) و دشمنان داخلی که عبارت است از کسانی که در میان دنیای اسلام زندگی می‌کنند، اما هیچ باوری به اسلام ندارند و به طور عمده منظور حاکمان غیر اسلامی است.

۲-۳. تاکتیک‌های عملی افراط‌گرایی

همان‌طور که گذشت تأثیر برخی منابع فکری و اعتقادی برای سلفی‌های تکفیری و القاعده انگیزه‌ای شد تا عملاً دایره دشمنان را گسترش داده و مبارزه را جهانی اعلام کنند و نه تنها غرب که همه را غیر از خود تکفیر کنند.

۱-۲-۳. رفتار شبکه‌ای

یکی دیگر از مهم‌ترین اختصاصات روش شناختی گروه‌های نوسلفی عملکرد شبکه‌ای آن‌ها است. گرچه جنبش‌های نوسلفی امروزه در سراسر جهان فعال هستند، اما بیش از آنکه این جریان‌ها در عمل سازمانی موفق باشند، شکل شبکه‌ای دارند این عملکرد شبکه‌ای تا حد زیادی ناشی از تقلیدگریزی این جریان‌ها و در پیوند با ویژگی خودمرجعی آن‌ها است. این رفتار نیز در نوع خود به جهاد در نظریه نوسلفیه کمک کرده است. بدین معنا که سلفی‌های هر کشور درون مرزهای همان کشور عمل کرده و سعی می‌کردند از طریق تهدید رهبران ملی و یا اعمال تروریستی به اهدافشان برسند؛ اما امروزه سبک مبارزه متفاوت و به نوعی بین‌المللی و به صورت شبکه‌ای و فراتر از سطح ملی در نزد نوسلفیه مبدل شده است.

۲-۲-۳. داعش و خلافت اسلامی

با حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور در عراق گروهی تحت عنوان دولت اسلامی با تفکر القاعده‌ای ظهور یافت. ایده تشکیل حکومت اسلامی عراق در اکتبر ۲۰۰۶ به رهبری ابو عمر بغدادی شکل گرفت. او در سال ۲۰۱۰ در حمله نیروهای امریکایی کشته شد. پس از او ابراهیم البدری معروف به ابوبکر البغدادی به این سمت رسید.

داعش به دنبال بروز اختلاف میان ابوبکر البغدادی و ابو محمد الجولانی وارد سوریه شد و تلاش کرد تا گروه‌های مسلح فعال در سوریه و عراق را کنار بزند و بر آن‌جا استیلا پیدا کند. اختلاف النصره و داعش منجر به دخالت ایمن الظواهری شد. الظواهری بر مجزا شدن این دو گروه اولی به

رهبری ابوبکر البغدادی در عراق و دومی به رهبری الجولانی در سوریه تاکید داشت. اما گروه دولت اسلامی عراق و شام با خشونت کنترل بعضی از شهرهای سوریه و عراق را در دست گرفته و در صدد دست یابی به خلافت اسلامی فراگیر است.

شیخ یوسف القرضاوی رئیس اتحادیه علمای فلسطین و از رهبران سلفی نفوذ افراطی های مسلح داعش از سوریه به عراق و نا امن کردن این کشور را انقلاب دانست و فعالیت آن ها را نتیجه سیاست های ظالمانه و فساد بر شمرد. او پیش تر در حمایت از سلفی های افراطی در سوریه فتوا داده بود : کسانی که به دست جنگجویان ما در سوریه کشته می شوند یا قتلشان واجب است یا گناهی ندارند که در این صورت شهید حساب می شوند و به بهشت می روند.

برخی معتقدند این جریان افراط گرا دست نشاندۀ غرب نیست بلکه آن‌ها از سلفی های جهادی - تکفیری هستند که بر خشونت مقدس تاکید دارند و این در واقع نوعی بیماری ذاتی خاورمیانه است که غرب و نظام های اطلاعاتی نیز می‌توانند از آن استفاده کنند زیرا در آن ها نشانه هایی از گرایش به غرب دیده نمی شود ابوبکر بغدادی پس از آزادی از زندان ابوغریب به فرماندهان آمریکائی گفت که سال ۲۰۱۳ شما را در نیویورک خواهم دید که این یعنی دست نشاندۀ امریکا نیست. داعش در سال ۲۰۰۳ از درون القاعده به وجود آمد اما به تدریج از القاعده فاصله گرفت تا جایی که در فوریه ۲۰۱۴ ایمن الظواهری به طور رسمی از آن‌ها سلب وابستگی کرد و گفت این گروه عضو القاعده نیست. اگر چه القاعده گرایش ضد شیعی نیز دارد اما هدف اصلی آن غرب است. در حالی که هدف فعلی داعش تشیع است.

دیدگاه دیگر برآن است که در خاور میانه گروه سیاسی مستقل وجود ندارد و هر گروه سیاسی به لحاظ ایدئولوژیک و راهبردی به قدرت های منطقه ای و بین المللی وابسته است بنابراین داعش مجموعه ای مرتبط با سرویس های اطلاعاتی عربستان و اسرائیل است و هدف اصلی اش مقابله با شیعه و ایران است. در این میان اسرائیل و عربستان بیش از همه پشتیبان این اقدامات هستند.

ادعای برپایی خلافت اسلامی داش این پرسش ها را به ذهن آورده است که چرا داعش تنها در عراق و شام قصد برپایی خلافت دارد ؟ چرا در حجاز و جده این کار را انجام نمی دهد ؟ مگر نه این که اسلام از مکه و مدینه ظهور کرده است ؟ چرا به اسرائیل اعلان جنگ نمی دهد ؟ زیرا احتمالاً از سرویس های اطلاعاتی برخی از کشور های منطقه استفاده می کند و مجری سیاست های آن ها در عراق و سوریه است. بروز جنگ طایفه ای و مذهبی در عراق بیش از هر چیز منافع اسرائیل و

عربستان و آمریکا را تامین می‌کند چون با ظهور داعش و جنگ فرقه‌ای از سوی اسرائیل بیش تر از گذشته احساس آرامش می‌کند و از سویی دیگر به بهانه جنگ و نا آرامی بار دیگر امریکا فرصتی یافت که نیروهای خود را وارد عراق کند.

کشورهای غربی برای دست یابی به منافع خود و تسلط بیش تر به منابع کشور های اسلامی با کمک آشکار یا نشان دادن چراغ سبز یا سکوت خود زمینه ساز تقویت و حضور خشونت آمیز سلفی های تکفیری در افغانستان، لیبی، سوریه، عراق و دیگر جاها بوده اند.

کشورهای عرب منطقه، نظیر عربستان سعودی و قطر، شروع به ارسال کمک‌های نظامی و مالی به تکفیری‌ها در سوریه کردند. دو همسایه سنی نشین دیگر سوریه یعنی ترکیه و اردن هم به گذرگاهی برای رساندن کمک به سلفی‌ها در سوریه تبدیل شدند و گروه های تکفیری منطقه به سوریه سرازیر شدند.

احمد داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه با تاکید بر این که خاور میانه جدیدی در حال متولد شدن است اعلام کرد: ما مالک پیشتاز و خدمتگزار این خاورمیانه جدید خواهیم بود " ترکیه به دنبال یک ارمان منحصر سنی در سوریه بود و با ایران نیز نوعی رقابت تاریخی و ژئوپلتیک داشت. از این رو از رویارویی با حاکمیت علوی در سوریه استقبال می کرد.

قطر نیز با حمایت امریکا نه تنها حاشیه امنیتی برای خود فراهم کرد بلکه در حمایت مالی و تسلیحاتی مستقیم از تکفیری‌ها در سوریه نقش مهمی ایفا کرد. قطر و عربستان و ترکیه پایگاه هایی را به منظور آموزش و اعزام افراد به خاک سوریه ایجاد کردند. این افراد به دست نظامیان امریکایی و ترک آموزش می دیدند و سپس برای اجرای نقشه‌های خود عازم سوریه می شدند. همچنین ایستگاه هایی برای انتقال سلاح به داخل سوریه نیز در نظر گرفته شده بود که هزینه مالی آن را عربستان و قطر تامین می کردند.

این بار همین بار سلفی ها با ثروت و تجهیزات لازم و با کمک حامیان خود تحت عنوان دولت اسلامی عراق و شام، به دنبال ایجاد یک حکومت واحد اسلامی با روش تکفیری هستند. روشی که تمام سنی های مخالف خود و شیعیان و غیر مسلمانان را کافر می داند و احکام شرعی کفر را درباره آن ها اجرا می کند. از نظر آن ها حتی خبر نگارها و دیپلمات ها هم مصونیت ندارند.

نتیجه گیری

با وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس نظام سیاسی مبتنی بر اصل متریقی ولایت فقیه، دیگری‌های بی‌شماری پیرامون آن پدید آمد. ویژگی مشترک همه این دیگری‌ها تلاش برای تأثیرگذاری بر گفتمان انقلاب اسلامی بوده است. از جمله آنها، جریان سلفی طالبان است که از سه دهه پیش در افغانستان شکل گرفته است. این جریان قومی و مذهبی، یکبار در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ توانست بر افغانستان مسلط شود. در آن زمان، طالبان مواضع خصمانه‌ای با جمهوری اسلامی ایران ابراز می‌کرد و خود را رقیب جدی گفتمان انقلاب اسلامی معرفی می‌کرد. اکنون بعد گذشت دو دهه از سرنگونی حکومت طالبان افغانستان، بار دیگر این جریان توانست بر کابل مسلط شده امارت اسلامی را احیاء کند. حاکمان جدید طالبان آشکار و پنهان بر این نکته تأکید دارند که از تجربه حکمرانی پیشین خود بر کابل، درس گرفته‌اند و خواهان روابط مسالمت‌آمیز با کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران می‌باشند. از این رو، به‌طور طبیعی، وجه دیگر بودگی طالبان با اتخاذ مواضع جدید تا اندازه زیاد پنهان می‌شود و باید برای شناسایی و سنجش آن به مواضع و عملکرد سیاسی طالبان در آینده چشم دوخت. مسأله مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، مربوط به نوع رویکرد و نگاه به اسلام سیاسی و احکام و چگونگی اجرای آنهاست. در ظاهر انقلاب اسلامی، اسلامی سیاسی است و در مقابل داعش و القاعده هم داعیه‌دار اسلام با نگرش سیاسی و پویا در سطح جامعه است. نکته مهم این است که در نظر گرفتن چه ظرایف و لطایفی در مورد اسلام سیاسی منجر به انقلاب سال ۵۷ ایران و ایجاد جبهه مقاومتی می‌شود که شیعه و سنی، مسلمان و مسیحی را زیر چتر خود به تقابل با استعمار و استکبار می‌کشاند؛ و در طرف مقابل، چه سوءتفاهمی در این باره کار را به پدیده‌های تلخ و نگران‌کننده‌ای چون داعش و النصره و بقیه گروه‌های تکفیری می‌رساند. در بررسی‌ها پیرامون اسلام سیاسی، درک و فهم این خلأها می‌تواند ما را از کشیدن به ورطه خطا و کج‌فهمی مصون بدارد. علاوه بر اینها باید اضافه نمود داعش قدرتمندترین تبلور از سازمان تروریستی است که تحت نام شاخه القاعده در عراق و پس از حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق شکل گرفت. با توجه به ابعاد بالای اثرگذاری بحران داعش، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌الملل دچار تاثیر شد. متاثر از ظهور داعش در منطقه، جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا نقش خود را به عنوان یکی از بازیگران محور مقاومت در منطقه خاورمیانه و در نظام بین‌الملل کنونی معرفی کند. مطابق مفروضه‌های سازه‌انگاران منبع هویتها در نظام بین‌الملل نیز بر پایه اصول، قواعد و هنجارهای داخلی و رویه اجتماعی بین‌المللی می‌باشد. بنابراین مفاهیم متعددی چون امنیت، تهدید، دوستی،

اتحاد و ائتلاف بر اساس نظام ارزشی و هویتی بازیگران شکل می‌گیرد. نکته اساسی در رویکرد سازه‌انگاری آن است که نمی‌توان سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چارچوب صرف مادی و نهادی در سطح ملی و بین‌المللی تقلیل داد، زیرا تعاملات دولتها صرفاً بر اساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده شکل نگرفته، بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها شکل می‌یابند. هویت جمهوری اسلامی ایران بر اثر هنجارهای اسلامی و تصورات بیرونی شکل گرفته است. متعاقباً در خصوص نوسلفیه متکی بر خلافت داعش پژوهش حاضر نشان داد: ظهور سلفیه و نوسلفیه ریشه در مبانی نظری و فقهی اهل سنت و وقایع بزرگ تاریخی دارد. و نقش مؤلفه جهاد به عنوان مهم‌ترین اصل عملی در ظهور نوسلفیه بسیار برجسته است. در واقع این تحول از نزد سلفیه قدیم با تحول از اصل دعوت به عنوان اصل عملی به اصل عملی جهاد هموار شده است. مبادی نظری-فقهی اهل سنت همچون تقدم نقل بر عقل، ردّ تأویل کتاب و سنت، قاعده تبعیت (اتباع) در مقابل ابتداع (بدعت)، خود مرجع‌انگاری (اجتهادگرایی) و رفتار شبکه‌ای در قیاس با سلفیه اجتهادی در تقویت این تحول نقش مهمی ایفا نموده است.

غلبه تفکر اصولی و اجتهاد عقل‌گرایانه محصولات درخشانی را برای اندیشه سیاسی تشیع و نظریه‌های حکومتی آن به دنبال داشت. اسلام سیاسی شیعی با تکیه بر نظریه امامت و عدالت و همچنین شکل‌گیری رهبری واحد دینی سیاسی در قالب دستگاه مرجعیت تقلید اساساً در پی اتحاد امت اسلامی است همچنان که گفتمان جمهوری اسلامی با نفی اندیشه قومیت‌گرایی بهار عربی را بیداری اسلامی عنوان نموده و با حمایت‌های خود از گروه‌های اهل تسنن به مانند روز قدس در پی وحدت مسلمین جهان است. در حالی که اسلام سیاسی نو سلفیه با تکیه و جهاد اساس آن موجب افتراق امت اسلامی است و علیرغم اینکه اسلام جهادی از حیث تعداد در قیاس با اسلام سیاسی در اقلیت است لیکن کاربرد خشونت آمیز و موسع تکفیر از سوی نو سلفیه به ویژه داعش، چگونه اکثریت مسلمانان جهان را از دایره امت اسلام خارج نموده و چگونه با این مرزبندی تکفیری و کاربرد استعاره چهار شمشیر علیه چهار گروه و تکفیر علیه چهار گروه از مسلمانان اهل سنت موجب شقاق و فتنه در دنیای اسلام و ترویج خشونت در خاورمیانه و جهان پیرامون آن، مانع بزرگ در تحقق است جهانی اسلام ایجاد نموده است.

کتابنامه

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، تهران: انتشارات قومس.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۴). چارچوب و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران: انتشارات قومس.
- اسلامی، سعید (۱۳۹۹). «مقایسه تحول نگرش به مفهوم جهاد در سلفیه به نوسلفیه و بررسی تأثیر آن بر تحولات سیاسی خاورمیانه»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۸، شماره ۲۸.
- امیری، سروش و کیانی، جواد (۱۳۹۸). «گفتمان مقاومت شهید قاسم سلیمانی در دیپلماسی و روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۲)، ۹-۳۰.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۴). گزارش نشست اعتدال و افراط در منطقه خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- پرهوده، کامران (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مسئله بیداری اسلامی با بررسی موردی بحرین و سوریه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- چهرآزاد، سعید (۱۳۹۹). «بررسی فرآیند سیاستگذاری حقوق بشری ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه». فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۹(۲)، ۳۵-۵۰.
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۴). «شکل‌گیری داعش در پویش جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره ۳۰، تابستان.
- خدابخشی، لیلیا؛ ازغندی، علیرضا و هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای راهبرد ایران و عربستان در بحران سوریه با تکیه بر نظریه نواقع‌گرایی»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۳)، ۲۱-۴۷.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۷). «سیاست خارجی رهایی بخش: نظریه انتقادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره دوم، تابستان.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر سمت.

شفیعی سیف آبادی، محسن (۱۳۹۸). «سردار سلیمانی و بسیج مردمی در عراق و سوریه (زمینه‌های شکل‌گیری تا نقش و نیات شهید سلیمانی)»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۲)، ۸۵-۱۰۹.

صادقی، سید شمس‌الدین؛ احمدیان، قدرت و زارع، سارا (۱۳۹۸). «راهبرد عربستان سعودی در بحرین و تأثیر آن بر جبهه مقاومت»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۴)، ۲۹-۴۵. عباسی، محمود (۱۳۹۳). «سنخ‌شناسی داعش»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره ۵۸، تابستان.

فدائی دولت، فریدون و آقائی، سید داود (۱۳۹۹). «بررسی مسئولیت حمایت جمهوری اسلامی ایران در جریان بحران سوریه». فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۹(۱)، ۲۰۳-۲۲۴.

فلاحی، علی (۱۳۸۰). «سازنده‌گرایی در سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، شماره بیست و یکم، پاییز.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ هفتم، تهران: سمت. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸). روابط بین‌الملل: رویکردها و نظریه‌ها، چاپ سوم، تهران: نشر سمت. کسرابی، محمد سالار، داوری مقدم، سعید (۱۳۹۳). «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه‌شناختانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره اول.

مسجدجامعی، محمد (۱۳۹۵). ایران و جهان عرب: تحولات ژئوپلیتیک ایران، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.

ملکی عزین‌آبادی، روح‌اله؛ موسوی، سید محمدرضا و جلالی‌راد، محمدصادق (۱۳۹۸). «بررسی رویکرد ایالات متحده آمریکا علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تمرکز بر اقدام دونالد ترامپ در قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۴)، ۱۲۹-۱۵۹.

هادیان، ناصر (۱۳۸۲). «سازه‌انگاری از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، مجله سیاست خارجی، شماره ۶۸.

یورگن، تودنهورفر (۱۳۹۴). ده روز با داعش از درون دولت اسلامی، ترجمه علی عبداللّهی و زهرا معین‌الدینی، تهران: انتشارات کوله پستی.